

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Role of Designers' Lived Experience in Representation of Architectural
Archetypes, A Case Study of Iranian-born Foreign-Educated Architects' Designs
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

نقش تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن‌الگوهای معماری
نمونه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل کرده خارج از کشور*

ستاره یمینی^۱، پریسا علیمحمدی^{۲*}، کاوه بذرافکن^۳

۱. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

چکیده

بیان مسئله: امروزه علی‌رغم گسترش و بسط موضوعات بینارشته‌ای علوم شناختی، روانشناسی و معماری، درباره نقش آگاهی و ناآگاهی طراحان در فرآیند آفرینش اثر انگاره‌ای قطعی، واضح و روشن وجود ندارد. از سوی دیگر به خاطر نبود روشی برای خلق معانی مشترک، شکافی عمیق میان فضای اندیشیده‌شده و فضای درک‌شده ایجاد شده است. تغییرات بنیادین و دگرگونی‌های پیوسته در طراحی پژوهی و هم‌پیوندی آن با معماری و آموزش امروز منجر به گسست تجربه مستقیم طراحان از الگوهای فضایی ثابت و در پی آن عدم شکل‌گیری روند طبیعی و دگرگونی کهن‌الگوهای معماری برای بازنمایی مفاهیم ازلی و سرمشق‌ها شده است.

هدف پژوهش: این مقاله به معرفی ویژگی‌هایی از واحدهای فضایی معماری ایرانی که در آثار طراحان ایرانی امروز تداوم داشته است می‌پردازد و با تبیین نحوه تأثیر تجربه مستقیم و زیسته طراحان در آفرینش فضا، بر بازنمایی کهن‌الگوها در فرآیند تولید معماری، از میان کهن‌الگوهای برگزیده می‌پردازد.

روش پژوهش: با استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا، بر مبنای نظریه داده‌بنیان، آثار معماران ایرانی تحصیل کرده خارج از کشور به عنوان داده جمع‌آوری شده است؛ این آثار به روش سیستماتیک استراوس و کوربین و بر اساس معیاره فضای مادی و معنایی به کهن‌الگوهای باغ ایرانی، حیاط میانی، ایوان و چارطاقی، دسته‌بندی می‌شوند. این دسته‌بندی شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. سپس از میان چهار کهن‌الگوی انتخابی، مواردی که معماران مورد مطالعه، تجربه مستقیم و زیسته در فضای آن را داشته‌اند مشخص و با نتایج دسته‌بندی مقایسه می‌شوند.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن‌الگوهای معماری نقش مستقیم دارد. گرایش به شبیه‌سازی فضاهای کهن‌الگوی حیاط میانی که ایرانیان در آن تجربه زیسته و پیوسته دارند بیشتر است. تداوم عناصر معنابخش به فضای ایوان و ظهور برخی نظام‌ها و نقش‌مایه‌ای باغ ایرانی در مواردی نادر مشهود است.

واژگان کلیدی: ناآگاهی جمعی، کهن‌الگو، فضای زیسته، فرآیند طراحی، نظریه داده‌بنیان.

مقدمه

چون مخالفان اصالت نیت مؤلف بر این باورند که اثر در فضای میانه و بینابین (خود) آگاهی و (نا)آگاه مؤلف زاده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۸، ۱۴۱-۱۰۲). امروزه با وجود پیشرفت‌های نظری و عملی در باب مطالعات و شناخت حیات ذهن و روان

رهیافت‌های آگاهانه و ناآگاهانه در روند و آفرینش آثار هنری و معماری از مسائل مهم و مورد بحث حوزه فلسفه هنر و معماری است. اندیشمندانی چون هگل و شلینگ و جنبش‌های فکری

به راهنمایی دکتر «پریسا علیمحمدی» و مشاوره دکتر «کاوه بذرافکن» در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه آزاد اسلامی-واحد تهران مرکز انجام شده است. **نویسنده مسئول: alimohammadi.parisa.1st@gmail.com, ۰۹۱۲۱۷۵۵۳۷۴

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «ستاره یمینی» تحت عنوان «تبیین روش‌های طراحی مبتنی بر بازنمود فضایی کهن‌الگوهای معماری ایرانی، مطالعه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل کرده خارج از کشور» است که

است (اکبری و نیرومند شیشوان، ۱۳۹۸، ۳۰). از این رو می‌توان ادعا کرد تجربه مستقیم، بی‌واسطه و آگاهانه از فضا که از آن به «تجربه زیسته» تعبیر می‌شود می‌تواند نقش مهمی در بازآفرینی و بازنمایی مفاهیم کهن‌الگوهای معماری داشته باشد.

در این مقاله با انتخاب چند نمونه کهن‌الگوی معماری ایرانی بر مبنای تفسیر مفهومی و فضایی، نخست رد پای آن‌ها در آثار گروهی از معماران معاصر که تبار ایرانی داشته ولی آموزش و فعالیت حرفه‌ای‌شان خارج از ایران بوده است، جست‌وجو خواهد شد. سپس نحوه تأثیر تجربه مستقیم طراحان و زیستن آن‌ها در فضا بر بازنمایی کهن‌الگوها در فرآیند تولید معماری تبیین شده است. در ادامه نحوه بازنمایی واحدهای فضایی معماری ایرانی که در محتوای آثار طراحان ایرانی امروز تداوم داشته است معرفی می‌شود.

سوالات پژوهش

۱. تجربه فضای زیسته در بازنمایی کهن‌الگوهای معماری چه تأثیری دارد؟
۲. ویژگی‌های کهن‌الگوها فضایی که در آثار طراحان معاصر ایرانی تبار تداوم داشته است، کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد تا کنون کمتر پژوهش مستقل و مشابهی انجام شده است که به بازنمایی کهن‌الگوها و عوامل مؤثر بر پیدایی آن‌ها در معماری امروز بپردازد. اما در زمینه تبیین ارتباط کهن‌الگوها و معماری تلاش‌هایی هر چند محدود صورت پذیرفته است که در تقویت پایه‌های نظری این مقاله مؤثر بوده‌اند. هروی، فلامکی و طاهایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بازتاب آرکی‌تایپ‌های مادینه در معماری تاریخی ایران بر اساس آرای یونگ» چگونگی تأثیرپذیری معماری تاریخی ایران از ناخودآگاه جمعی با تأکید بر رمزهای مادینه را در طرح‌واره معماری طرح می‌کنند. بهنود و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «تجلی کهن‌الگوهای یونگ در ساختار معماری مجموعه آرامگاهی عارف چلبی اوغلو» با بررسی مفاهیم معنایی «فرآیند فردیت» به عنوان نمونه‌ای از کهن‌الگوهای یونگی، نحوه عینیت یافتن آن در فضای عرفانی یک بنای آرامگاهی را تشریح می‌کنند. یمینی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل آثار معماری معاصر با رویکرد نقد اسطوره‌ای» با بهره‌گیری از روش نقد اسطوره‌ای نظام هندسی و چیدمان عناصر فضایی پایانه بندری یوکوهاما را با ساختار کهن‌الگوی باغ ایرانی تطبیق می‌دهند. نیستانی، حاتمیان، موسوی کوهپر و حاتم (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «تحلیل چگونگی استمرار معماری چارطاقی از دوره ساسانی به اسلامی با تکیه بر روش نقد کهن‌الگویی» با توجه به نظریه کهن‌الگویی یونگ، علل و عوامل انتخاب شکل چارطاقی در

انسان، همچنان با انگاره‌های به نسبت قطعی، روشن و واضح درباره چگونگی بروز فرآیندهای تألیف مواجه نیستیم.

از سوی دیگر یکی از ضرورت‌های معماری امروز هم‌پیوندی با مخاطب است که به گفته الکساندر به دلیل نبود روشی برای طراحی فضاهایی با قابلیت تعامل و هم‌کنشی با انسان، بیشتر اصول طراحی به معمار وابسته شده است و به شدت تحت تأثیر مد، سلیقه‌های تحمیلی و میل اشخاص به جلب توجه از طریق حالات بدیع و گاهی تکان‌دهنده است. بین تصویری که طراحان از فضا دارند با ویژگی فضایی که کاربران برای تعامل، آشنایی و شناسایی بیشتر به آن احتیاج دارند، فاصله و گسستی بنیادین وجود دارد (Alexander, Ishikawa & Silverstein, 1977, 42). لذا در فرآیندهای طراحی نیازمند راهکارهایی برای تولید فضاهایی برگرفته از انگاره‌هایی کهن و برانگیزاننده معانی مشترک در ذهن مخاطبان هستیم. در دوره معاصر هم‌جهت با گرایش به معنا، نا(خود)آگاهی به استعاره‌ای بدل شده است برای توصیف معنایی که از دسترس (خود)آگاهی به دورند. باورها، نمادها و اسطوره‌ها، در طی اعصار در نقاط مختلف جهان وجوه مشترک بسیاری دارند که نا(خود)آگاهی جمعی را تشکیل می‌دهند. این ارتباطات و تجربه جمعی بشری کهن‌الگو نامیده شده است (بهنود، بلیلان اصل و ستارزاده، ۱۳۹۹، ۱۴۶). نگاهی گذرا به آثار معماری گذشته بیانگر تداوم و تسلسل الگوهای فضایی پایدار با معانی مشترک و برخاسته از خاطرات ازلی مردمان هر سرزمین است که با ظهور مدرنیته و ضدیت با تاریخ شکافی عمیق و ترمیم‌ناپذیر میان الگوها و معانی با فضای ساخته ایجاد، و به خلق فرم‌های نو و مبتنی بر ترجیحات فرد مؤلف بسنده شده است.

در بینابین دو سویه طرح‌شده، گمانه بازنمایی ناآگاهانه و غیر مستقیم کهن‌الگوها در آثار طراحان و هنرمندان امروز مطرح می‌شود که در آن بخش ناآگاهانه فرآیند آفرینش اثر، که خارج از اراده آگاهانه و مستقیم آفریننده شکل می‌گیرد، به بازنمایی و ظهور کهن‌الگو پیوند زده می‌شود. این گمانه منجر به پیدایش رهیافت‌های نقد «اسطوره‌ای» و «کهن‌الگویی» در حوزه ادبیات، هنر و معماری می‌شود که از ابعاد متفاوت معنایی و ساختاری به موضوع می‌نگرد (یمینی، علیمحمدی و بذرافکن، ۱۳۹۹، ۱۹). در زمینه معماری هر چند درباره تأثیر عوامل نا(خود)آگاه در فرآیند آفرینش آثار گذشته و امروز انگاره‌هایی مطرح شده است، ولی به دلیل گسست معنایی و الگویی در بناهای امروزی، پذیرش گمانه فوق نیازمند پژوهش و آزمون است. معماران گذشته با زیستن در فضا و درک عمیق معانی و مفاهیم از راه تجربه مستقیم قادر به بازآفرینی آن‌ها در آثار بعدی بوده‌اند. البته امروزه گسترش فناوری دیجیتال تجربه حضور در فضا، ادراک و خلق را در فرآیندهای مجازی به ارمغان آورده است و سرشت جسمانی در فرآیند خلق و تجربه اثر هنری به حاشیه رانده شده

روانی هنرمندان همواره آشکار می‌سازد که خواست آفرینش هنری منبعث از ناخودآگاهی قدرت بسیار دارد، و سخت شگفت و خودکامه است» (یونگ، ۱۳۹۳، ۷۲). او تأکید می‌کند که اثر هنری به‌سان موجودی زنده درون ذهن هنرمند رشد می‌کند، و پس از عرضه بر همگان، از آفریننده‌اش مستقل می‌شود. هنرمند حتی اگر اراده کند، هرگز به سازوکار رشد و استقلال اثر پی نخواهد برد. علت تأثیر گسترده یونگ بر فلسفه هنر معاصر محتوای فکری اوست که در آن به ادراک و تحلیل نیروی آفرینش ذهن آدمی، قدرت تعیین‌کننده نمادهایی که او می‌سازد بر آگاهی و نا(خود)آگاهی نسل‌هایی است که از پی هم می‌آیند و تلاش در راه کشف پایگان نمادینی که سرانجام به مفهوم «سرنمون» ختم می‌شود (احمدی، ۱۳۹۸، ۳۶۶). سرنمون‌ها (کهن‌الگوها یا سرمشق‌ها) در واقع همان میراث ناخودآگاهی اجدادی هستند که پیش از تولد ما وجود داشته‌اند. ما در دل ناخودآگاه جمعی متولد شده‌ایم، و تصاویری که می‌آفرینیم بسیاری موارد فقط باززایی سرنمون‌ها (Jung, 1986, 52) هستند. البته به نظر می‌رسد امروز می‌توانیم رابطه آگاهی و ناآگاهی را نسبی و طیفی ببینیم، به این معنی که به طور معمول در حال حرکت به سوی خودآگاهی هستیم و از سهم ناخودآگاهی ما کاسته می‌شود. همچنین در هر کنشی نسبتی از آگاهی و ناآگاهی به‌صورت طیفی و فازی وجود دارد و موقعیت ما نسبت به این دو کرانه قابل تفسیر است.

• ناآگاهی جمعی و کهن‌الگو

از نظر فروید ناخودآگاه چیزی جز محل جمع‌آوری خاطرات فراموش‌شده یا سرکوب‌شده نیست و منحصراً ماهیتی شخصی دارد، اگرچه او نیز از نمودارهای فکری باستانی و اسطوره‌ای آن آگاه بود (یونگ، ۱۳۹۸ الف، ۹). یونگ درباره لایه‌های ناخودآگاه می‌گوید: بی‌شک یکی از لایه‌های کم و بیش ساختگی ناخودآگاه، ساحت شخصی است. او این ساحت را ناخودآگاه شخصی نامیده است. اما ناخودآگاه شخصی روی لایه عمیق‌تری قرار دارد که آن را ناخودآگاه جمعی می‌نامد. او کلمه «جمعی» را انتخاب می‌کند، چون این بخش از ناخودآگاه، فردی نیست، بلکه عمومی است؛ برخلاف بخش شخصی روان، این بخش محتویات و رفتارهایی را دربرمی‌گیرد که کم و بیش در همه جا و در بین همه انسان‌ها، مثل هم هستند. به عبارت دیگر در همه انسان‌ها مشترک است و بنابراین ساحت روانی مشترکی را می‌سازد که دارای ماهیتی فوق انسانی است و در همه ما نیز وجود دارد. یونگ محتویات ناخودآگاه جمعی را کهن‌الگو می‌نامد (همان، ۱۰). او معتقد است کهن‌الگو، تفسیر مفهومی افلاطونی است. الگوهایی باستانی یا به عبارت بهتر ازلی، یعنی تصویرهای ذهنی جهانی که از زمان‌های خیلی دور وجود داشته‌اند (همان، ۱۱). مفهوم کهن‌الگو که جزئی جدایی‌ناپذیر از ناخودآگاه جمعی است، دلالت بر وجود قالب‌های تعریف‌شده روان دارد که به نظر می‌رسد همیشه و در همه جا

معماری و نحوه انتقال آن از دوره ساسانی به اسلامی را با ذکر شواهدی از جنبه امر قدسی در منابع اسلامی بررسی و تحلیل می‌کنند. مقاله دیگری توسط دهقان، معماریان، محمدمرادی و عبدی اردکانی (۱۳۹۰) با بررسی مشترکات معنایی کهن‌الگوهای ناخودآگاه جمعی که برگرفته از سه منبع اسطوره‌ای جهانی، نماد و رؤیا است، مصادیق تجلی آن در کالبد معماری را بیان می‌کند و با هدف جستجوی زبان الگوی واحد در معماری در پی ارتقاء تعاملات انسان با فضای معماری است.

در میان منابع لاتین در نظریه و نقد معماری تلاش‌هایی صورت گرفته است که به دلیل محدودیت مقاله در بخش کهن‌الگوهای معماری به آن خواهیم پرداخت.

مقاله حاضر با رویکردی دیگر نسبت به مطالعات پیشین که تداوم الگوهای معماری را صرفاً در معماری گذشته تحلیل می‌کند، در جست‌وجوی استمرار آن در معماری امروز است. بررسی‌های محدود و اندک انجام‌یافته در این حوزه با نگرش تک‌بعدی، صرفاً الگوهای هندسی و یا مفهومی را ارزیابی کرده‌اند که در این پژوهش تحلیل هر دو لایه فضای مادی و معنایی، و با رهیافتی فضا‌محور انجام شده است. دامنه مکانی آثار منتخب نیز متفاوت با جستارهای قبلی در بستری غیر از خاستگاه الگوهای مورد مطالعه انتخاب شده است.

چارچوب نظری

• نقش عوامل (خود) آگاهانه و نا(خود) آگاهانه در فرآیند آفرینش اثر

مرور آراء اندیشمندان و جریان‌های فکری درباره زیبایی‌شناسی و شکل‌گیری اثر هنری بیانگر تداوم چالش نظری درباره بازتاب بخش آگاهانه و ناآگاهانه ذهن آفریننده در روند پیدایی آثار و همچنین خلق معناست.

افزون بر پنداره‌های فیلسوفان درباره چگونگی تأثیر عوامل آگاهانه و ناآگاهانه در پیدایی اثر هنری، نقطه عطف این جریان در علوم شناختی و روانشناسی رخ داد. تقسیم‌بندی ذهن انسان به دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه از مهم‌ترین دستاوردهایی بود که زیگموند فروید^۱ آن را تشریح و تبیین کرده و شاگرد او کارل گوستاو یونگ^۲ در تداوم مسیر تشریح ناآگاهی و تأثیر آن بر فرآیندهای ذهنی به نتایج کامل‌تری دست یافت. تقسیم ذهن به دو بخش «ناخودآگاه» و «خودآگاه» از اثرگذارترین جنبه‌های این مدل روانشناسی و روانکاوی در نظریه‌های انسانی‌شناسی است که البته موافقین و مخالفان خاص خود را دارد. یکی از پیامدهای نظری آن صحبت درباره منشأ شکل‌گیری «اثر هنری» بود. طبق این نظریه، اثر هنری در مرز میان ناخودآگاه و خودآگاه خلق می‌شود، زیرا نه از بی‌نظمی‌های جهان رؤیا خبری در آن هست و نه قواعد منطقی و نمادین خودآگاه را مشاهده می‌کنیم (احمدی علیایی و محمودی، ۱۳۹۴، ۳۳). از نظر یونگ «تحلیل

به عنوان ابزاری برای توصیف پدیده‌های معماری استفاده می‌کند (ibid., 77). نویسنده تلاش می‌کند تا ساختمان را به «عناصر» اساسی و ابتدایی تقسیم کند. در واقع کهن‌الگوها بیان حضور وجودی انسان در فضای بسته معماری است. آن‌ها تصویر فضا بر روی عناصر اصلی سازنده معماری: دیوار، سقف و کف هستند. با توصیف پیوند میان فضای درونی و بیرونی که توسط کف، دیوار و سقف بیان می‌شود، این روابط بدون توجه به مکان، سبک و زمان ساخت، در هر پیکربندی ساختمانی ثابت هستند (ibid.).

با توجه به مطرح شدن کهن‌الگوها در فضای شبه‌علمی روانشناسی، باید بپذیریم جوهر موضوع کهن‌الگوی معماری کاملاً فرضی است که عبارت از ارائه تعریفی از کهن‌الگوهای معماری و نحوه باز نمود آن‌هاست (Margoshvili, 2019, 68). اما آنچه حائز اهمیت است، نگرش مادی و یا معنایی صرف در دو گرایش اشاره شده است، که ممکن است به برداشت‌های سطحی و ساده‌انگارانه منجر شود. بنابراین نیازمند تفسیری از کهن‌الگوهای معماری هستیم تا آن را در لایه‌های درهم‌تنیده مادی و معنایی شناسایی کرده و قابلیت کاربردی کردن و وارد شدن در فرآیند طراحی را به آن بدهیم.

چنانچه یونگ و هم‌فکرانش در کتاب «انسان و سمبول‌هایش» اشاره می‌کنند، کهن‌الگوها از طریق نمادها بازنمایی می‌شوند. جوزف هندرسون که نگارنده فصل «نمادهای جاودانه» در این کتاب است معتقد است نمادها مضامین ضمیر ناخودآگاه را به ضمیر خودآگاه وارد می‌کنند (یونگ، ۱۳۹۸، ب، ۱۶۱).

• مصادیق کهن‌الگوهای معماری ایرانی

در معماری گذشته برخی واحدها و ترکیبات فضایی خاص در پیکربندی بناها، به طور مداوم تکرار شده و تکامل یافته‌اند. تحلیل معنایی هندسی و حضور عناصر طبیعی نشان می‌دهد این فضاها در قالب نمادهای معماری ظاهر شده‌اند که از آن جمله می‌توان به باغ، حیاط، ایوان و چارطاقی اشاره کرد که در واقع ترکیبات کلی یا واحدهایی از فضای معماری با ویژگی‌های هندسی و مادی خاص است، که هر کدام ضمن تداوم در پیکره فضایی معماری ایرانی دارای جنبه نمادین در لایه‌های در هم تنیده مادی-معنایی است. معیارهای کهن‌الگویی مستخرج از منابع و متون معتبر از چهار کهن‌الگوی منتخب در جداول ۱ تا ۴ ارائه می‌شوند.

تجربه زیسته و کهن‌الگوها معماری

واژه Erlebnis معادل «تجربه زیسته» که عبارت است از تجربه‌ای بی‌واسطه و حضوری از چیزی؛ تجربه‌ای که در آن بین عالم و معلوم، بین تجربه‌گر و تجربه‌شونده، اتحاد برقرار است. همچنین روالی آگاهانه می‌یابد. در واقع تجربه زیسته در مقابل Erfahrung است؛ Erfahrung یعنی تجربه دست دوم که با واسطه و حصولی است، و به‌طور معمول در علوم طبیعی کاربرد دارد، اما در علوم انسانی، هنر و معماری، تجربه از نوع Erlebnis که بی‌واسطه است

حضور دارند. محققان اسطوره‌شناس آن‌ها را «بن‌مایه» می‌نامند (همان، ۵۶).

اصطلاح کهن‌الگو از سال ۱۹۳۴ میلادی در اثر مادبوکین^۴ به نام «الگوهای صورت اساطیری» در شعر به نقد ادبی راه یافت و منظور از آن تصویرها، شخصیت‌ها و طرح‌هایی است که در آثار مختلف ادبی تکرار می‌شود (Abrams, 2005, 178).

• کهن‌الگوها و معماری

درباره ارتباط کهن‌الگوها و فضای معماری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که بررسی پیشینه موضوع حاکی از وجود دو گرایش عمده در این زمینه است. گرایش اول انگاره کهن‌الگوهای معماری را مورد بحث قرار داده و گرایش دوم به جستجوی مفاهیم کهن‌الگویی در فضای معماری می‌پردازد که ضمن دارا بودن تشابهات اسمی دو مقوله کاملاً متفاوت هستند. کهن‌الگوهای معماری مابه‌ازایی از مفهوم کهن‌الگو در ترکیب و ساختار فضای معماری است که در طول تاریخ به طور مداوم در ساختمان‌ها و سکونت‌گاه‌ها تجربه، تکرار و بازنمایی شده‌اند و می‌توان گفت نگرش نسبتاً فضایی و مادی به موضوع دارند. در مقابل، جستارهای مرتبط با مفهوم کهن‌الگوها در معماری، کهن‌الگوهای یونگی و یا سایر کهن‌الگوها و مفاهیم اساطیری و نمادین را صرفاً در لایه‌های معنایی معماری می‌کاوند و به قالب‌های معمارانه توجهی ندارند.

انگاره نخست یا همان کهن‌الگوهای معماری ابتدا در دهه ۱۹۵۰ در رساله «شهر و میدان» (۱۹۵۹) اثر پُل زاکر^۵، ذکر شده است. در این اثر، نویسنده پنج نوع ساماندهی فضایی میداین برگرفته از تاریخ معماری اروپای غربی را ارائه داده است و از آن‌ها به عنوان پنج شیوه برای پر کردن خلأهای «فضایی» نام می‌برد (Margoshvili, 2019, 7). پاولوس لفا^۶ نیز معتقد است کهن‌الگو فرمی است که آدمی با پذیرش «خردی غیرقابل انکار»، کم و بیش آگاهانه به تکثیر آن می‌پردازد (Lefas, 2014, 18). از نظر لفا^۶ برجسته‌ترین کهن‌الگوی معماری خانه‌های بدوی یا همان خانه‌ای است که بسیاری از کودکان ترسیم می‌کنند (ibid.). لویی کان^۷، معمار معاصر آمریکایی، نیز به عنوان فردی که مفهوم کهن‌الگو را در فلسفه طراحی خود وارد کرده است، معتقد است چندین کهن‌الگوی مشخص، فعالیت معماری جوامع را شکل داده‌اند، که در میان آن‌ها کهن‌الگوهای [فضایی] قلعه، بارو، معبد، صومعه، خانه و مجموعه‌ها حضور مکرر دارند. وی برای کاربردی کردن دیدگاهش در فرآیند طراحی، نظریه فرم و طرح را ارائه می‌کند (Pieczara, 2019, 73).

در زمینه گرایش دوم، یکی از شاخص‌ترین آثار که به مفهوم یونگی اشاره دارد، کتاب «کهن‌الگوها در معماری» است که در سال ۱۹۸۷ توسط معمار و نظریه‌پرداز نروژی توماس تیس - اونس^۸ نگاشته شد. در این کتاب نظریه‌ای معماری ارائه می‌شود که بر اساس ادراک پدیدارشناختی استوار است. وی از کهن‌الگوها

بدن در فضا جای نمی‌گیرد بلکه در آن سکنی می‌گزیند (Merleau-Ponty, 1945, 174). به استناد یافته پژوهشگران اندیشه انسان امری بدن‌مند و مبتنی بر تجربه زیسته است. ذهن چیزی متمایز یا مجزا از بدن نیست (کارمن، ۱۳۹۰، ۱۴۴)، مرلوپونتی همچنین تصور فزاینده اندیشه بدن‌مند را به کل بدن تعمیم می‌دهد. بدن بخشی از دستگاه حافظه ماست (Merleau-Ponty, 1964, 162). ادوارد اس کیسی نیز مطالعات پدیدارشناختی در زمینه مکان، حافظه و تخیل انجام داده

و جریان دارد (Van Manen, 1997, 177). به گفته ون مانن، «تجربه زیسته» از طریق «فضای زیسته» روی می‌دهد (ibid., 1997, 102).

از نظر پدیدارشناسان در تجربه انسان از فضا و یا به عبارت دیگر تجربه معماری جسم و بدن انسان نقش اساسی ایفا می‌کند. پدیدارشناسانی نظیر مرلوپونتی بر مبنای نظریات هایدگر قویاً اثبات کردند، جسم واسطه عمومی و شیوه دسترسی تجربی انسان به معماری است (مالگریو، ۱۳۹۵، ۱۵۸). به زعم مرلوپونتی

جدول ۱. معیارهای کهن‌الگویی باغ ایرانی. مأخذ: نگارندگان با استفاده از شاهچراغی، ۱۳۹۸.

باغ ایرانی			
ویژگی کالبدی و عناصر فضایی	نظام ساختار هندسی	نظام ساختار کالبدی	نظام کارکرد
طرح سه کشیدگی موازی	طرح دو محور عمود بر هم	طرح کاشت آب ابنیه باغ مزار	حکومتی سکونتی
معنا	تمثیلی از کیهان، باغ بهشت قرآنی و وجه باطنی خلقت		

جدول ۲. ساختار کالبدی و عناصر کهن‌الگوی حیاط مرکزی و معانی احراز شده از آن. مأخذ: نگارندگان با استفاده از احمدی، ۱۳۸۴.

حیاط مرکزی			
ویژگی کالبدی و عناصر فضایی	فضای تهی میانی با هندسه منظم چهارگوش	امکان حضور بلاواسطه خورشید	حضور آب سبز
اشاره به نظم کهن‌الگویی و جهات چهارگانه خورشیدی	عناصر نرینه (ایزد مهر)	عناصر مادینه (الهه آناهیتا)	تکرار بهشت
معنا	تناسبات و مقیاس فضای خالی به فضای پر		
	ارتباط با فضاهای داخلی بر اساس الگوهای زیستی بنا		
	محرمیت و امنیت، مکان‌سازی		

جدول ۳. عناصر تشکیل‌دهنده و ساختار فضایی کهن‌الگوی ایوان و معانی احراز شده از آن. مأخذ: نگارندگان با استفاده از میرشاهزاده، اسلامی و عینی فر، ۱۳۹۰.

ایوان			
عناصر طبیعی	عناصر شبه‌طبیعی	روابط فضایی	ویژگی شکلی
آب گیاه	نقش خورشید	حیاط داخل	فضای عمیق تورفته در جداره حیاط یا بنا
معنا	ایجاد کشش فضایی برای حس دعوت- نشستن‌گاه بزرگان		
	درگاه باغ بهشت		
	باغ آرمانی		

جدول ۴. رابطه هندسه، فرم و معنا در کهن‌الگوی چهارطاقی. مأخذ: نگارندگان با استفاده از اردلان و بختیار، ۱۳۹۰؛ Jung, 1959, 509-510.

دوره تاریخی	هندسه	فرم	معنا
پیش از اسلام	ماندالا ساخت چهارگانه	چهار ورودی منطبق بر چهار دروازه	نمودار کیهان
پس از اسلام	مربع + دایره	مکعب اساس	انسان، زمین، نماد متعالی سکون
			چهار ارکان یا عناصر چهارگانه، چهار جهت، چهار باد و...
		گنبد	نماد سبکی و پویایی مطلق روح
			نماد آسمان و بیت‌المقدس آسمانی

معیار انتخاب نمونه موردی (بازه زمانی و بستر جغرافیایی) بودند انتخاب شدند.

با توجه به رویکرد کیفی پژوهش معیار نمونه‌گیری اشباع نظری است. برای انجام آن افراد حائز شرایط (معماران ایرانی تحصیل کرده خارج)، اسناد ترسیمی و تصویری آثار چهار نفر در دسترس بود. از میان آثار در دسترس، آن دسته از آثار که در بازه زمانی ۲۰ سال اخیر ارائه شده‌اند ۱۷۵ مورد هستند، که به عنوان داده انتخاب شده و کدگذاری خواهند شد. این معماران به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: ۱- نادر تهرانی، ۲- خواهران حریری (گیسو حریری و مژگان حریری)، ۳- نسرین سراجی و ۴- فرشید موسوی.

• معیار انتخاب نمونه موردی

در تشریح مفهوم کهن‌الگوها به عناصر نمادین در روان اشاره می‌شود که زاده «معناهایی ازلی و جاودانی» هستند و به شکل‌های گوناگون نمادین ظاهر می‌شوند. بنابراین نمادها مجراهای باز-زایی، یا زبان بیان میراث ناآگاهی اجدادی هستند (Jung, 1986, 28-52). نمادها نشانه‌های فرهنگی‌اند و از این رو آموزه‌های قومی در باز-زایی نمادها نقش اساسی دارند. انتظار می‌رود افراد با آموزه‌های قومی مشترک گرایش به معانی و نمادهای مشترک داشته و تحت تأثیر کهن‌الگوهای یکسان باشند. از سوی دیگر مرور پیشینه پژوهش بیانگر گرایش بیشتر پژوهشگران به جستجوی ردپای کهن‌الگوها و الگوهای معماری ایرانی در مقاطع خاصی از تاریخ معماری معاصر و آثار عده‌ای از طراحان امروز است که تحت تأثیر عواملی همچون بستر آموزش، بستر فعالیت (زمینه، ساخت، بنا) ملیت (تبار) طراحی و نگرش‌های اجتماعی و شرایط سیاسی حاکم در آن برهه خاص تاریخی بوده‌اند. شرایط گفته‌شده با توجه به محوریت نقش تجربه زیسته در این مقاله می‌باید از شرایط نمونه موردی حذف و یا کنترل شوند. همچنین برای ایجاد منظری تازه در حوزه پژوهش‌های معماری با تغییر عوامل بستر آموزش، بستر فعالیت و بازه زمانی فعالیت، نمونه‌ای موردی از میان آثار طراحانی که صرفاً ملیت (تبار) ایرانی داشته و در بستر غیر ایرانی آموزش دیده‌اند مشخص شده و سپس آثاری از آن معماران که در محدوده جغرافیایی خارج از ایران و در بازه زمانی بیست سال اخیر طراحی شده‌اند، تعیین شدند.

بحث

• تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده قبل از کدگذاری شناسه‌گذاری شده، اسناد ترسیمی و تصاویر مربوط به هر کدام از تارنماهای شخصی معماران منتخب تهیه و در جداول جداگانه دسته‌بندی شدند، که به دلیل محدودیت فضای مقاله امکان ارائه آنها وجود ندارد. در مرحله کدگذاری باز آن دسته از آثار که بیشتر از معیارهای

است، به نقش بدن در عمل به خاطر سپاری اشاره می‌کند، از نظر او حافظه بدن کانون طبیعی هر دریافت حسی به خاطر سپاری و یادآوری است (Casey, 2000, 148). نگاهی به پیشینه ظهور کهن‌الگوها، با ویژگی‌های فرض شده، در ترکیب فضاهای معماری گذشته بیانگر ظهور و تداوم آنهاست. به نظر می‌رسد معماران گذشته با زیستن در فضا و تجربه مستقیم قادر به درک و دریافت معانی و بازآفرینی آنها در آثار خود بوده‌اند. حضور در فضای مصنوع و وجود عناصر معنابخش به آن بستر ایجاد خاطرات جمعی و فردی را در میان مردمان فراهم می‌کند. همچنین موجب به یادآوری کیفیت فضایی تجربه شده در آینده خواهد شد و آگاهی جمعی از کیفیت مد نظر را موجب می‌شود. هر چه کیفیت فضایی از این حیث عمیق‌تر باشد، قوه خیال‌پردازی افراد را بیشتر درگیر و آنان را از طریق تخیلشان تسخیر خواهد کرد (اکبری و فلامکی، ۱۳۹۵، ۱۸).

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله از روش کیفی تحلیل محتوای بر مبنای نظریه داده بنیان استفاده شده است و ارایه نتایج اولیه بر اساس استدلال استقرایی صورت خواهد گرفت. با توجه به تأکید پژوهش به نقش تجربه زیسته بر بازنمایی کهن‌الگوهای معماری و نبود چارچوب نظری و پیشینه پژوهشی کافی در زمینه نحوه بازنمایی کهن‌الگوها در معماری، نخست می‌بایست به روش اکتشافی نحوه ظهور کهن‌الگوها در نمونه‌های موردی مشخص می‌شد تا در مرحله بعدی نقش تجربه زیسته در آن معلوم شود. منبع جمع‌آوری داده‌ها تارنمای شخصی معماران منتخب بوده است. آثار معماران ایرانی تحصیل کرده خارج از کشور به عنوان داده جمع‌آوری شده است و به روش سیستماتیک استراوس^۹ و کربین^{۱۰} (استراوس و کربین، ۱۳۹۵) بررسی شده است. در این روش بر اساس معیاره فضایی و معنایی کهن‌الگوهای باغ ایرانی، حیاط میانی، ایوان و چارطاقی، در مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی دسته‌بندی می‌شوند. سپس از میان چهار کهن‌الگوی انتخابی، مواردی که معماران مورد مطالعه، تجربه مستقیم و زیسته‌ای در فضای آن را داشته‌اند مشخص شده و با نتایج دسته‌بندی قیاس می‌شوند.

با توجه به رویکرد کیفی پژوهش نمونه‌گیری از نوع غیر احتمالی امکان‌پذیر است. در این پژوهش از ترکیب دو روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند استفاده شده است (طیبی، ملکی و دلگشایی، ۱۳۹۵). ابتدا نمونه‌های در دسترس که حاوی اطلاعات کافی برای انجام تحلیل بودند جمع‌آوری شده است و در مرحله بعد آن دسته از آثاری که به نظر می‌رسید دارای شرایط گفته شده‌اند، در بخش

منتخب را (فضایی و معنایی) در گذر زمان نشان می‌دهد که با نتایج کدگذاری مقایسه خواهند شد.

نمودار بیانگر عمومیت و تداوم فضایی و معنایی فضای حیاط میانی تا امروز است. می‌توان اذعان کرد این فضای کهن‌الگویی هم در خاطرات ازلی انسان‌ها ثبت شده و هم یقیناً امروز همه مردم از آن تجربه زیسته در هر دو سطح فضایی و معنایی دارند. کالبد ایوان با ویژگی‌های معماری گذشته غیر از موارد نادر (در فضای برخی مساجد) تداوم نداشته و انتظار نمی‌رود عموم مردم به غیر از بازدیدهای محدود از بناهای تاریخی از آن تجربه زیسته داشته باشند. فضای ایوان به فضاهای نیمه‌باز تغییر یافته که ساکنان با چیدمان‌های خاص از عناصر طبیعی سعی در بازآفرینی معانی آن دارند.

امروزه فضای باغ ایرانی نیز به فضاهایی همچون پارک و فضای سبز تغییر یافته و معنای باغ نیز که در همپوشانی لایه‌های فضایی و ترکیب عناصر محقق می‌شود تداوم نیافته است. لذا انتظار نمی‌رود مردم امروزی تجربه زیستن از آن در سطوح فضایی و معنایی را داشته باشند.

فضای چارطاقی نیز امروزه صرفاً در بناهای یادمانی بازنمود می‌یابد که تجربه از فضای آن به بازدیدهای سطحی محدود می‌شود. معنای چارطاقی نیز در گرو تحقق نظم هندسی و فضایی آن است. بنابراین عدم تداوم فضای چارطاقی در سطح زیستن در آن به گسست معنایی آن می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

تطبيق نتایج کدگذاری و مبحث تجربه زیسته و کهن‌الگوهای منتخب نشان می‌دهد تجربه طراحان از فضاهای مورد مطالعه بر بازنمایی کهن‌الگوهای معماری تأثیر مستقیم دارد. بیشترین تعداد بازنمایی شده به واحدهای فضایی که از عمومیت بیشتری برخوردار بوده و تا به امروز تداوم داشته‌اند، اختصاص یافته است.

کهن‌الگوی حیاط میانی ضمن اینکه بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد، در هر دو سطح معنایی و فضایی در آثار منتخب بازنمایی شده و حاصل تجربه زیسته طراحان از آن است.

فضای ایوان، در آثار منتخب با ویژگی‌های کهن‌الگویی ظاهر نشده و فقط در یک مورد مربوط به بستر خاص (شهرک مسکونی کویت) (T38) برای کنترل شرایط اقلیمی دیده شده

ظاهری مشابه، عناصر و نظام‌های کالبدی کهن‌الگویی منتخب (جدول ۱ تا ۴) برخوردار بودند انتخاب شدند. **جدول ۵ و ۶** نام طرح‌های منتخب را به همراه شناسه داده‌ها نشان می‌دهد. در مرحله کدگذاری محوری نظام‌های فضایی، نقش‌مایه‌ها، الگوها و سازمان‌های فضایی و برخی مفاهیم ذهنی استخراج شدند. مرحله کدگذاری انتخابی بهره‌مندی از نظم‌های کهن‌الگویی یا برداشت‌های سطحی یا کالبدی صرف را مشخص کرد. مراحل سه‌گانه کدگذاری در **جدول ۷** آمده است.

یافته‌های این مرحله نشان می‌دهد:

- نظام تک‌محوری باغ ایرانی در یک مورد نادر و استثناء مشهود است (**تصویر ۱**).

- در طرح برخوردار از نظام تک‌محوری برونگرایی ساختمان کوشک باغ نیز مشاهده می‌شود.

- نقش‌مایه کوشک باغ ایرانی نیز در موارد نادر در سازماندهی پلان بنا دیده شده است (**تصاویر ۲ و ۳**)

- فضای خالی محصور در وسط بناها بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است که در اشکال مختلف منظم و نامنظم و محصوریت کامل یا گشودگی در بدنه‌ها و کنج‌ها دیده می‌شود (**تصویر ۴**).

- فضای سبز در اکثریت قریب به اتفاق فضاهای خالی مشهود است که توجه طراحان را به نظام‌های معنایی حیاط میانی نزدیک‌تر می‌کند.

- آب‌نما در موارد نادر در ترکیب فضای خالی دیده می‌شود (فقط دو مورد) که باعث تضعیف عناصر کهن‌الگویی فضاها می‌شود.

- برخی فضاهای تورفته در جداره بیرونی بناها و حتی درونی حیاط‌ها به چشم می‌خورد که به نظر نمی‌رسد هدف طراح ایجاد فضای ایوان باشد. فقط یک مورد استثناء در کشور کویت وجود دارد (T38) که شرایط کالبدی و معنایی کهن‌الگوی ایوان را داراست. سایر موارد مربوط به ایوان گویای توجه طراحان منتخب به نظام معنایی ایوان بیشتر از نظام کالبدی آن است.

- فضای مشابه چهارطاقی در میان نمونه‌های موردی در دسترس مشاهده نشد.

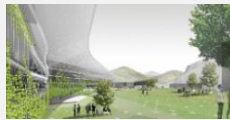


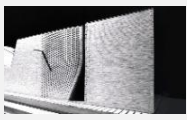







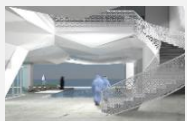














تجربه زیسته و کهن‌الگوهای منتخب

تداوم کهن‌الگو تا امروز می‌تواند در ایجاد زمینه برای تجربه زیسته مؤثر باشد؛ **تصویر ۵** اولویت‌بندی تداوم کهن‌الگوهای

جدول ۵. تعداد داده‌ها و شناسه‌گذاری به تفکیک معماران. مأخذ: نگارندگان.

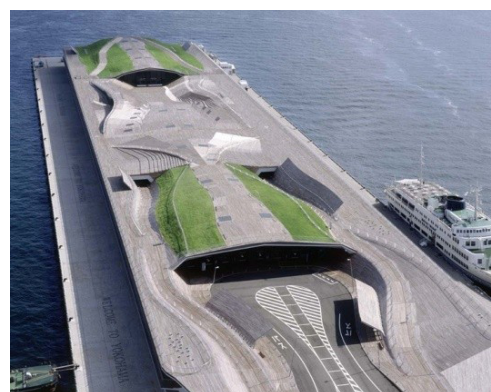
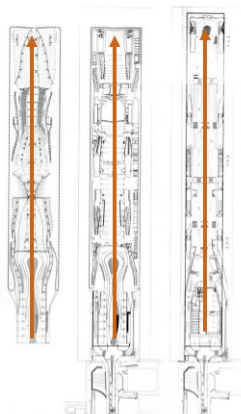
نام معمار	نادر تهرانی	خوهران حریری	نسرین سراجی	فرشید موسوی	مجموع داده‌ها
تعداد داده	۴۸	۵۹	۲۹	۳۹	۱۷۵
شناسه داده‌ها	T1 - T48	H1 - H59	S1 - S29	T1 - T39	-

جدول ۶. تصاویر و نام طرح‌های منتخب در مرحله کدگذاری باز. مأخذ: نگارندگان با استفاده از <https://www.nadaaa.com/type/> - <https://www.farshidmoussavi.com/> - <https://seraji.net/home/index.cfm> - <http://www.haririandhariri.com/projects>

شناسه	تصویر و نام طرح	شناسه	تصویر و نام طرح	شناسه	تصویر و نام طرح	شناسه	تصویر و نام طرح
T4	 Taipei Pop Music center	T11	 Beavar Country Day	T16	 Koningen Elizabethaal	T19	 Tangxian Art Center
T29	 WCZ Hoevezavel	T31	 Elemental Housing	T32	 Intergenerational Center	T33	 Ordos Hotel
T38	 Kuwait Matster plan	T44	 New Hampshire	H3	 Jewels of Salzburg	H18	 Peral Mansion
H21	 Museum of Persian C.A.	S1	 Orient Express	S4	 Ville Ecole Masion	S7	 Une Ecole
S8	 Vertigo	S11	 Big Heavy Beautiful	S23	 Bordeaux Connection	S24	 Three Masketeers
S25	 Lycee F. C.	M1	 White chapel Gallery	M2	 Montpellier	M10	 Yokohama I.P.T.
M24	 Meydan Retail Complex and Multiplex	M30	 La Rioja Technology Transfer Centre				

جدول ۷. کدگذاری داده‌های در دسترس از آثار معماران منتخب. مأخذ: نگارندگان.

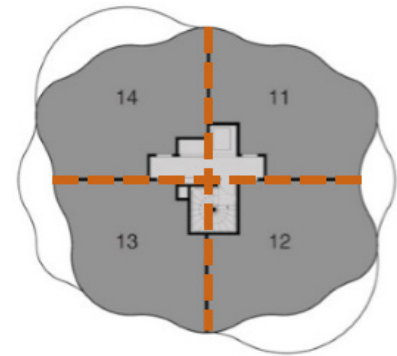
کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز	شناسه داده			
کالبد باغ ایرانی	نظام تک‌محوری باغ ایرانی	فضای سبز دارای محور تقارن فضای سبز دارای بنا روی محور	M10			
	نقش مایه کوشک باغ ایرانی	تقسیمات نه‌تایی در پلان ساختمان روی محور	M10			
		تقسیمات نه‌تایی در پلان ساختمان منفرد	M1	M10	T31	T32
ماندالا	برونگرایی ساختمان کوشک باغ ایرانی	تقسیمات نه‌تایی در بافت مسکونی	T38			
	الگوی مرجع باغ ایرانی	ایجاد امکان دید چهارچپته در ساختمان روی محور	M10			
	کهن‌الگوی سازمان‌دهنده بیشتر بناهای ایرانی	تقسیمات چهارتایی در پلان ساختمان مسکونی	M10 M2 – T38			
فقدان نظام معنایی باغ ایرانی	اجتناب از به‌کارگیری عناصر طبیعی باغ	عدم وجود درخت در فضای سبز دارای محور عدم وجود آب‌نما در فضای سبز دارای محور	M10			
برداشت سطحی از حیاط میانی	سازماندهی مرکزی نامنظم باقیمانده فضایی تبدیل به حیاط شده است.	فضای خالی کاملاً محصور در وسط بنا با هندسه نامنظم و غیر چهارگوش	S4	S7	S8	S24
		فضای خالی محصور در وسط بنا با هندسه نامنظم و گشودگی (انفصال) در کنج	S25	T16	T29	T44
			M24	M30		H3
نظم کهن‌الگویی حیاط میانی	تطابق با جهات چهارگانه خورشیدی محرمیت الگوی زیستی حیاط میانی	فضای خالی محصور در وسط بنا با هندسه منظم چهارگوش با گشودگی در کنج	S11		T31	
		فضای خالی کاملاً محصور در وسط بنا با هندسه منظم چهارگوش	T11	T32	T33	T38
		ارتباط فضای خالی با فضاهای اطراف جدارها	T38			
معنای حیاط میانی	تماس با طبیعت نمودی از باغ بهشت	فضای سبز در درون فضای خالی محصور	M24	M30	H3	S8
			S11	S24	S25	T4
		آب‌نما در درون فضای سبز محصور	T11	T16	T29	T31
برداشت سطحی از ایوان	ایجاد کشش فضایی برای حس دعوت	فضای عمیق تورفته در جداره خارجی بنا برای گذار	T19	S1	T4	
		فضای عمیق تورفته در کنج حیاط مرکزی	T11		T19	
		فضای نیمه‌باز در جداره حیاط مرکزی در ارتباط با حیاط و سایر فضاها	T38			
نظم کهن‌الگویی ایوان	درگاه باغ بهشت	فضای نیمه‌باز در جداره حیاط مرکزی در ترکیب با آب‌نما و فضای سبز	S4			
		فضای نیمه‌باز رو به چشم‌انداز در طبقه فوقانی در ترکیب با آب‌نما و فضای سبز	H18	H21		



تصویر ۱. چپ: نظام تک‌محوری باغ ایرانی در پایانه بندری یوکوهاما (M10) راست: نظام ابنیه و تقسیمات چهارتایی در پایانه بندری یوکوهاما (M10). مأخذ: https://www.farshidmoussavi.com/node/15#yokohama_international_port_terminal_yokohama_japan_15_54



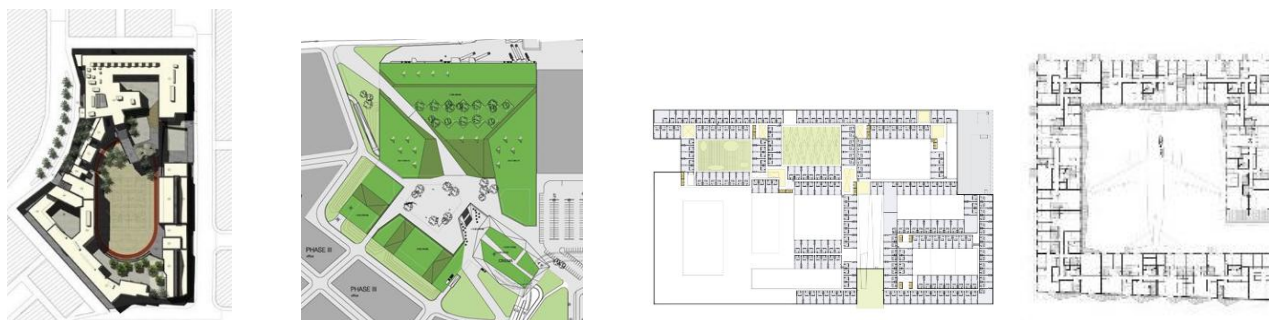
تصویر ۲. الگوی نه‌قسمتی در Elemental Housing (T31). مأخذ: <https://www.nadaaa.com/type/>



تصویر ۳. راست: تقسیمات چهارتایی (دو محور عمود بر هم) در ساختمان مسکونی La Folie Divine Montpellier (M2). مأخذ: <https://www.farshidmoussavi.com/>
چپ: تقسیمات چهارتایی (الگوی چهارباغ) در Intergenerational Center (T33). مأخذ: <https://www.nadaaa.com/type/>

نیز بازنمود فضایی نداشته است. دو محور عمود بر هم و تقسیمات چهارتایی که از لایه‌های هندسی چارطاقی بوده و از نقش‌مایه ماندالا نشأت می‌گیرد در مواردی مشاهده می‌شود. احتمال می‌رود این نقش‌مایه در ترکیب فضاهای واقعی و آثار هنری به صورت ناخودآگاه بازنمایی و تجربه می‌شود که مورد بحث تحلیل‌های با رویکرد نقد اسطوره‌ای است. نهایتاً می‌توان گفت تجربه زیسته، ضمن اینکه تثبیت خاطرات جمعی در نا(خود)آگاه انسانی را از طریق حافظه قدرت می‌بخشد، در دوران معاصر در فعال‌سازی و انگیزش بازنمایی کهن‌الگوها نقش اساسی دارد.

اجزا و عناصر تداعی‌کننده معنای ایوان در مواردی دیده می‌شود که تداوم آن با نتایج تجربه زیسته انطباق دارد. فضای مشابه باغ ایرانی نیز که برخوردار از نظام‌ها و لایه‌های آن باشد به دلیل گستردگی معنایی-فضایی آن دیده نمی‌شود. در یک مورد ظهور نظام‌های کالبدی باغ و چند مورد محدود نقش‌مایه‌های تقسیمات نه‌بخشی و چهاربخشی مشاهده شد که می‌تواند به خاطرات ازلی ایرانیان از باغ و ترکیب هندسی آن مرتبط باشد که اثبات و پذیرش آن نیازمند پژوهش‌های مستقل است. کهن‌الگوی چارطاقی در سطح تجربه زیسته و در آثار منتخب



تصویر ۴. از چپ به راست: فضای خالی کاملاً محصور با هندسه نامنظم (S24)، فضای خالی نامنظم دارای گشودگی در کنج (M30)، فضای خالی منظم کاملاً محصور (T33) و فضای خالی منظم دارای گشودگی در کنج (S11).
 مأخذ: <https://seraji.net/home/index.cfm> - <https://www.farshidmoussavi.com/> - <https://www.nadaaa.com/type/>

معاصر	پس از اسلام تا امروز	قبل از اسلام
<ul style="list-style-type: none"> • بناهای مسکونی • مسجد • بناها با کاربری‌های متنوع 	<ul style="list-style-type: none"> • مسجد • کاروانسرا • مدرسه • مزار 	<ul style="list-style-type: none"> • نیایشگاه • کاخ
معنا		
<ul style="list-style-type: none"> • تغییر کالبد ایوان به فضاهای نیمه‌باز 	<ul style="list-style-type: none"> • مسجد • مدرسه • کاروانسرا • مزار 	<ul style="list-style-type: none"> • کاخ • نیایشگاه
معنا		
<ul style="list-style-type: none"> • تغییر کالبد به پارک 	<ul style="list-style-type: none"> • سکونتی • حکومتی • تلفیقی • باغ مزار 	<ul style="list-style-type: none"> • کاخ
معنا		
<ul style="list-style-type: none"> • بناهای یادمانی 	<ul style="list-style-type: none"> • مسجد • مدرسه • کاروانسرا 	<ul style="list-style-type: none"> • نیایشگاه • کاخ
معنا		

تصویر ۵. نمودار تداوم فضایی و معنایی کهن‌الگوهای منتخب. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

- ۱/ Archetype .۲/ Zigmund Freud .۳/ Carl Gustav Jung .۴/ Maud Bodkin
- ۵/ Paul Zucker .۶/ Pavlos Lefas .۷/ Lois Kahn .۸/ Thomas Thiis Evensen
- ۹/ Strauss Anselm .۱۰/ Juliet Corbin

فهرست منابع

- احمدی، فرهاد. (۱۳۸۴). شهر - خانه حیاط مرکزی، شهر - خانه پایدار.

شهر - خانه آیینی. صفه، (۴۱)، ۹۱-۱۱۳.

• احمدی علیایی، سعید و محمودی، فتنه. (۱۳۹۴). جهان‌های اثرگذار در تکوین اثر هنری؛ تاریخ جامعه، تاریخ هنر، تاریخ هنرمند. نقد ادبی، ۸ (۲۹)، ۵۹-۳۱.

• احمدی، بابک. (۱۳۹۸). حقیقت و زیبایی. تهران: مرکز.
 • اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۹۰). حس وحدت (ترجمه و نداد جلیلی با همکاری احسان طایفه). تهران: موسسه علمی پژوهش علم معمار.

- یوکوهاما با کهن‌الگوی باغ ایرانی. *باغ نظر*، ۱۷، (۸۶)، ۱۷-۲۸.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۳). *جهان نگری (ترجمه جلال ستاری)*. تهران: توس.
 - یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۸ الف). *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو (ترجمه فرناز گنجی و محمدباقر اسمعیل پور)*. تهران: جامی.
 - یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۸ ب). *انسان و سمبول‌هایش (ترجمه محمود سلطانیه)*. تهران: جامی.
 - Abrams, M. H. (2005). *Glossary of Literary Terms*. Boston: Thomson Wadsworth.
 - Alexander, C., Ishikawa S. & Silverstein, M. (1977). *A Pattern Language, Nikos Salingaros, Stewart Brand edn*. New York: Oxford University Press.
 - Casey, E., S. (2000). *Remembering: A Phenomenological Study*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
 - Jung, C. G. (1959). *Basic Writings*. New York: Modern Library.
 - Jung, C. G. (1986). *Psychology and the East*. London: Ark.
 - Lefas, P. (2014). *Architecture: a Historical Perspective*. Berlin: Jovis.
 - Margoshvili, M. (2019). Archetypal Concept and Contemporary Architectural Criticism. *Researcher: European Journal of Humanities & Social Sciences*, 3 (2), 67-83.
 - Merleau-Ponty, M. (1945). *Phénoménologie de la Perception*. Paris: Gallimard.
 - Merleau-Ponty, M. (1964). *The Primacy of Perception*. Evanston, Illinois: Northwestern University Press.
 - Pieczara, M. (2019). Archetypes in Contemporary Architecture. *Technical Transaction*, (4), 71-84.
 - Van Manen, M. (1997). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. London: Routledge.

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت. (۱۳۹۵). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ترجمه ابراهیم افشار)*. تهران: نی.
- اکبری، علی و فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه ادراکات حسی و احساس در پدیده‌شناسی فضای ساخته‌شده. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، (۱)۶، ۷-۲۱.
- اکبری، علی و نیرومند شیشوان، مهدیه. (۱۳۹۸). جایگاه تجربه زیسته از منظر فلسفه بدن در فرآیند طراحی و خلق مکان. *پژوهش‌های فلسفی*، (۲۶)، ۲۵-۵۲.
- بهنود، الناز؛ بلیان اصل، لیدا و ستارزاده، داریوش. (۱۳۹۹). تجلی کهن‌الگوهای یونگ در ساختار معماری مجموعه آرامگاهی عارف چلبی اوغلو. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۸ (۴)، ۱۴۵-۱۶۸.
- دهقان، نرگس؛ معماریان، غلامحسین؛ محمد مرادی، اصغر و عبدی اردکانی، حجت‌اله. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی مفهوم عروج با مشترکات معنایی کهن‌الگو با کالبد معماری. *مطالعات تطبیقی هنر*، ۲۱ (۲)، ۸۷-۱۰۰.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۸). *پارادایم‌های پردیس، درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی*. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- کارمن، تیلور. (۱۳۹۰). *مرلوبوتنی (ترجمه مسعود علیا)*. تهران: ققنوس.
- مالگریو، هری فرانسیس. (۱۳۹۵). *مغز معمار (ترجمه کریم مردمی و سیما ابراهیمی)*. تهران: هنر معماری قرن.
- میرشاهزاده، شروین؛ اسلامی، سید غلامرضا و عینی فر، علیرضا. (۱۳۹۰). نقش فضای مرزی-پیوندی در آفرینش معنا. *هویت شهر*، ۵ (۹)، ۵-۱۶.
- نیستانی، جواد؛ حاتمیان، محمد جعفر؛ موسوی کوهپیر، سید مهدی و حاتم، غلامعلی. (۱۳۹۱). تحلیل چگونگی استمرار معماری چهارطاقی از دوره ساسانی به اسلامی در ایران با تکیه بر روش نقد کهن‌الگویی. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۴ (۲)، ۱۷۳-۱۹۱.
- هروی، حسنیه؛ فلامکی، محمد منصور و طاهایی، سید عطالله. (۱۳۹۸). بازتاب آرکی تایپ‌های مادینه در معماری تاریخی ایران بر اساس آرای یونگ. *باغ نظر*، ۱۶ (۸۰)، ۵۱-۶۲.
- یمینی، ستاره؛ علیمحمدی، پریسا و بذرافکن، کاوه. (۱۳۹۹). تحلیل آثار معماری معاصر با رویکرد نقد اسطوره‌ای؛ انطباق طرح معماری پایانه بندری

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
 یمینی، ستاره؛ علیمحمدی، پریسا و بذرافکن، کاوه. (۱۴۰۱). نقش تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن‌الگوهای معماری نمونه‌موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل‌کرده خارج از کشور. *باغ نظر*، ۱۹ (۱۱۱)، ۵-۱۶.

DOI: 10.22034/BAGH.2022.310531.5020
 URL: http://www.bagh-sj.com/article_153545.html

